

تاریخ شفاهی و مطالعات شهری در راستای تولید دورنمایی از دگرگونی زندگی اجتماعی در خلال تحولات

شهری

دکتر رضا مسعودی نژاد

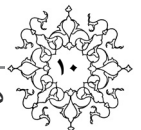
چکیده:

مقاله حاضر به‌طور عمومی معطوف به اهمیت و تبیین کاربرد تاریخ شفاهی در مطالعات شهری است. به‌طور مشخص این مطالعه تلاش دارد تا عوامل دخیل در تولید دورنمایی از دگرگونی فضایی زندگی اجتماعی را در شهرهای ایران، به کمک تاریخ شفاهی به‌طور روشمند تبیین کند. مطلب حاضر با توجه به اهمیت روشمند کردن شیوه‌ها در مطالعات چنددانشی و میان‌دانشی - به‌خصوص در سال‌های اخیر بیش از پیش اهمیت یافته‌اند - شکل گرفته است. در حالی که منابع روش‌های مطالعه میدانی و تاریخ شفاهی بی‌شمار می‌نماید، اما در عین حال اهمیت محلی کردن و تبیین روش‌ها برای استفاده در حوزه‌های میان‌دانشی جدید به شکل روشمند، بیش از پیش ضروری و مهم به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها:

تاریخ شفاهی، مطالعات شهری، زندگی اجتماعی، فضاها شهری، کار میدانی.

دوفصلنامه تاریخ شفاهی، سال ۴، شماره ۲، پیاپی ۸، پائیز و زمستان ۱۳۹۷، ص ۱۰-۲۵





تاریخ شفاهی و مطالعات شهری در راستای تولید دورنمایی از دگرگونی زندگی اجتماعی در خلال تحولات شهری

دکتر رضا مسعودی نژاد^۱

مقدمه:

این مقاله می‌تواند به‌عنوان گزارش روش‌شناسانه از کار میدانی تلقی شود که لزوماً به محتوای کار میدانی و اطلاعات جمع‌آوری شده مربوط نمی‌شود، بلکه تلاش دارد تا لایه‌های دیگری از کار میدانی را در مطالعات شهری دارای پشتوانه تاریخ شفاهی، تشریح کند. مطالعه اصلی در حال انجام، معطوف است به تحول فضائی زندگی اجتماعی و به‌طور خاص مراسم محرم در فضاهای شهری در طی آنچه که ما آن را دگرگونی شهری^۱ دوران نوین در طی دهه‌های اولیه قرن حاضر هجری شمسی می‌نامیم. کار میدانی طی دو دوره در ایران انجام شده است، اما این مقاله عمدتاً براساس تحلیل کار میدانی اولیه است که به‌منظور بهبود و محلی‌کردن فنون میدانی، روش‌های مصاحبه و بیش از همه تبیین روش‌های معمول تاریخ شفاهی در حوزه مطالعات شهری در ایران انجام شده بود. کار میدانی اولیه در پائیز ۱۳۸۴ ش. و سپس کار میدانی نهائی در زمستان ۱۳۸۴ تا بهار ۱۳۸۵ ش. انجام شده است. کار میدانی اولیه فقط در دزفول به‌عنوان شهر اصلی مورد مطالعه و کار میدانی نهائی در همان شهر و شهرهای مکمل، اردبیل، همدان، کاشان، بوشهر و بیرجند صورت پذیرفته است.

در ابتدا لازم است به این نکته اشاره شود که همان‌طور که در اغلب منابع اصلی^۲ مشاهده شده، تاریخ شفاهی در این پژوهش به آن بخش از اطلاعات شفاهی می‌پردازد که تحولات تاریخی را از نگاه مردم عادی مرور می‌کند و به‌جای حقایق دقیق تاریخی، به وجوه کیفی حوادث و تحولات تاریخی و تلقی مردم از آن تحولات می‌پردازد.

۱. دانشجوی دکتری دانشکده بازنلت، دانشگاه لندن؛ r.masoudi@ucl.ac.uk

2. Urban transformation.

3. Text books.



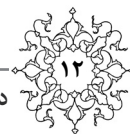
مطلب پیش‌رو با توجه به اهمیت روشمند کردن شیوه‌ها در مطالعات چنددانشی^۱ و میان‌دانشی^۲ شکل گرفته و در دو بخش اصلی سازمان یافته است. بخش اول به این موضوع می‌پردازد که اساساً چرا و چه هنگامی پژوهش‌های کیفی در مطالعات شهری معنا پیدا می‌کند. به زبان دیگر، چه نوع مسائلی در مطالعات شهری می‌تواند براساس این رویه مطالعاتی پیگیری شود. همین بخش در ادامه، به مسئله تاریخ و اطلاعات شفاهی و چالش‌های آن می‌پردازد که نه تنها حوزه عملکرد آن‌ها را در معرض تماشا می‌گذارد، بلکه نشان می‌دهد که چه مفهوم یا مفاهیمی باید در استفاده از منابع شفاهی در حوزه مطالعه شهری تبیین گردد. بخش دوم تلاش می‌کند عوامل دخیل در روشمند کردن مطالعه میدانی را بر پایه اطلاعات شفاهی به‌عنوان میان‌دانشی تشریح کند.

مطالعات شهری و پژوهش‌های کیفی^۳

همان‌طور که اشاره شد، این بخش به چرایی استفاده از شیوه‌های کیفی در مطالعات شهری می‌پردازد که به‌نوعی شامل مرور بسیار کوتاهی در مسائل روش‌شناختی است تا نشان دهد اصولاً چرا مطالعات کیفی و میان‌دانشی در این حوزه معنا یافته و در چه مواردی قابلیت انشاء دارد. سپس به تشریح وجوهی پرداخته خواهد شد که می‌توان از طریق تاریخ شفاهی به آن‌ها دست یافت. همچنین بحث درباره یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی اطلاعات شفاهی است که حدود استفاده از این نوع اطلاعات را تعیین می‌کند و درعین‌حال این موضوع و پاسخ‌های داده‌شده به آن چالش، ما را به‌نوعی به چگونگی تبیین روش‌های شفاهی در مطالعات شهری برای تولید دورنمایی از فضای زندگی اجتماعی هدایت می‌کند.

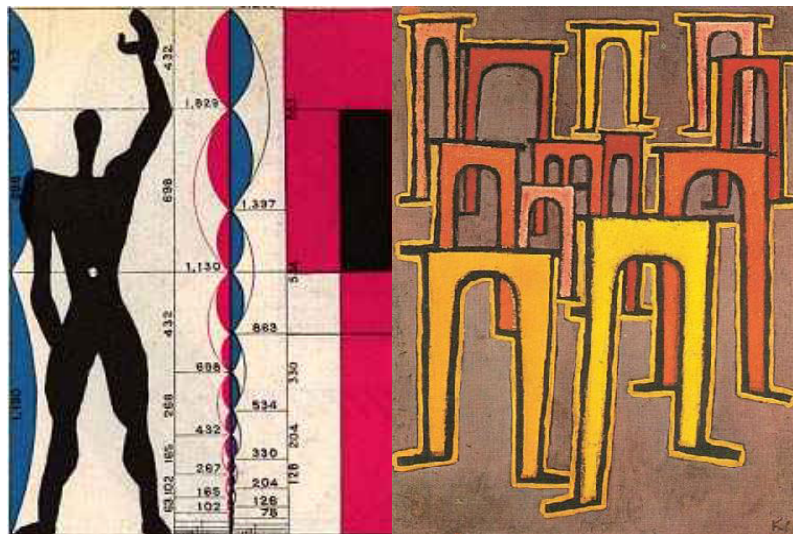
در ابتدا لازم است بدون غلتیدن در بحث‌های محض روش‌شناختی که موضوع مقاله حاضر نیست، به نکته‌ای اشاره شود تا ما را به موضوع بحث هدایت کند. مطالعه هر پدیده از نگاه شناخت‌شناسی^۴، ممکن است به دو گونه انجام شود؛ پژوهش برای رسیدن به اصل قطعی یا فهم نسبی آن پدیده. به‌طور عمومی در یکی، ما به دنبال علت و معلول پدیده و در دیگری، به دنبال فهم تلقی انسان از پدیده یا فهم رفتار انسانی پدیده هستیم. شاید به زبان ساده بتوان تفاوت را بدین‌گونه توضیح داد که، پژوهش ممکن است با هدف «تشریح»^۵ یا «تفسیر»^۶ پدیده انجام شود. در نتیجه از نظر روش‌شناختی، لازم است هر پژوهش با تبیین نگاه معرفت‌شناسی خود، مشخص کند که آیا در پی تشریح یا تفسیر و فهم پدیده است یا نه. همان‌طور که رابین‌ها (۱۹۹۵) اشاره کرده است، پژوهش قطعی‌نگر به‌دنبال تبیین اصولی است که پدیده‌ها را به‌گونه‌ای ماندگار و تعمیم‌پذیر تشریح کند، درحالی‌که پژوهش تفسیرگرا به دنبال آن است تا دریابد که در شرایط مشخص، چگونه پدیده‌ای شکل می‌پذیرد، بی‌آنکه تلاش کند تا یافته‌ها را جهان‌شمول بداند. بیش از این، همان‌طور که تامسون (۱۹۹۸) در این‌باره بحث کرده، این‌گونه مطالعه، پدیده‌ها را در بستر

1. Multi disciplinary: involving different subjects of study in one activity.
2. Interdisciplinary: involving two or more different subjects or areas of knowledge.
3. Qualitative researches.
4. Epistemology.
5. Explaining.
6. Interpretation.



خود و از نگاه و فهم انسانی- بر پایه تجربه فردی یا جمعی- بررسی می‌کند؛ آن هم براساس پیش‌فرض وجود واقعیت چندگانه‌ای که برگرفته از تعدد معناهای فهم‌شده از محیطی است که انسان در آن حضور دارد یا پدیده‌هائی که با آن‌ها مواجه است.

با توجه به این بحث کوتاه، «شهر» می‌تواند به عنوان یک «چیز»^۱ یا واقعیت بیرونی مورد مطالعه قرار گیرد. در این رویه، شهر یک نظام کالبدی است که می‌تواند با روش‌های دقیق سنجیده شود. این سنجش، ممکن است به کمک واحدهای اندازه‌گیری یا شاخص‌هائی انجام گیرد. به‌طور مثال کاربری زمین، هندسه بافت شهری یا مطالعه آماری ترافیک، برخی از این سنجش‌هاست. از سوی دیگر، ممکن است شهر به‌عنوان یک نظام اجتماعی- فضائی^۲ که در آن محیط ساخته شده^۳، فهمیده شود؛ زندگی روزمره و اجتماعی، تجارب فردی و جمعی و رفتار آنان که منسجم^۴ شده است و بررسی آن‌ها باید به‌عنوان کلیت مدنظر باشد. بسیاری از نظریه‌های «فضا» همچون نظریه «ساخت فضای لفوغ»^۵، به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین الگوهای فضائی- شهری در مطالعات شهری معاصر، براساس الگوی فضائی- اجتماعی و بر پایه همین تلقی از شهر و فضا ارائه شده است. این نوع تلقی از شهر و فضا، اساساً نشان می‌دهد که فهمیدن و مطالعه شهر به‌عنوان یک نظام فضائی- اجتماعی، باید براساس مطالعه کیفی و میان‌دانشی انجام گیرد؛ چراکه شهر باید به‌عنوان کلیت و بدون محدودکردن به یکی از وجوه آن، فهمیده شود.



1. Object.
2. Socio-spatial.
3. Built environment.
4. Integrate.
5. The Production of Space.

انسان به‌عنوان یک موجود درخور سنجش در مقابل شهر به‌عنوان یک مفهوم چندگانه.
The Modular by Le Corbusier (left); Paul Klee: Viaducts Break Ranks (right).



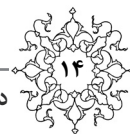
بدیهی است که مطالعه شهر براساس هریک از تلقی‌های یادشده، به معنی نفی شیوه مطالعه دیگری نیست، بلکه بدان معناست که ممکن است پرسش، معطوف به یکی از این دو تلقی از شهر بوده یا حتی با تلقی دیگری از شهر مرتبط باشد. مطالعه چگونگی اثر متقابل جامعه شهری با کالبد شهری در فرایند دگرگونی شهر در دوران نوین، یکی از حوزه‌های عمومی است که به‌وضوح به تلقی فضائی- اجتماعی شهر معطوف می‌گردد و نیاز به مطالعه کیفی را به معرض نمایش می‌گذارد. به‌طور مثال در همین بستر عمومی- پژوهش جاری در آن قرار می‌گیرد- اگرچه ما از یک‌سو با دگرگونی و تحول کالبد شهر در طی مداخلات کنونی مواجه هستیم اما درعین‌حال موضوع مورد پرسش، چگونگی واکنش زندگی اجتماعی و مناسک مذهبی به‌عنوان پدیده‌های اجتماعی، در مقابل این دگرگونی، عینی هستند.

تلقی فضائی- اجتماعی شهر که پژوهش‌ها را برای فهمیدن پدیده‌های همچون دگرگونی کنونی شهرها به‌سمت مطالعات کیفی سوق می‌دهد، از آن جهت اهمیت یافته است که شهرسازی نوین به‌طور عام و بسیاری از طرح‌های نوسازی و احیای شهری، نه‌تنها در ایران بلکه در سراسر دنیا، به‌طور خاص، در سطحی گسترده با شکست مواجه شده است. این امر، به‌طور مستقیم حاصل نگاه کمی و اندیشه نوین به شهر بوده است. پیشروان اندیشه‌های نوین شهری همچون لوکوربوزیه،^۱ معتقد بودند که معماران، چوپان‌های جامعه هستند، چراکه می‌توانند با طراحی محیط، جامعه را به سوی اهداف دلخواه خود راهبری کنند. بسیاری از متخصصان همچون لفوغ (۱۹۷۴)،^۲ معتقدند که معماران و برنامه‌ریزان هرگز نمی‌توانند شکل‌گیری فضا را برنامه‌ریزی و به‌طور دقیق مهار کنند. تاریخ نیز نشان از شکست اندیشه‌های نوین در شهرسازی دارد. این امر باعث توجه جدی به روش‌های متفاوت برای فهم شهر، به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و عظیم‌ترین ساخته‌های بشر گردیده است. مطالعات میان‌رشته‌ای و مبتنی بر نگاه کیفی، به‌عنوان یک بدل مهم در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. در واقع این شیوه مطالعه به‌عنوان نیازی اساسی در تبیین دانش پایه برای هر نوع مداخله شهری از توسعه تا احیاء شهری تلقی می‌شود.

اطلاعات کیفی: مصاحبه و اطلاعات شفاهی

جمع‌آوری اطلاعات کیفی، بخش اساسی در پژوهش‌های کیفی است و مصاحبه یکی از مهم‌ترین روش‌ها برای این هدف، در انواع پژوهش‌های کیفی است (Dilley, 2004). مصاحبه کیفی، راهی است برای دریافت احساس و ادراک مردم از دنیای خود و روشی است برای فهمیدن تجارب و بازسازی حوادثی که پژوهشگر در آن حضور نداشته است (Rubin & Rubin, 1995). بیش از این همان‌طور که ویل^۲ اشاره کرده، مصاحبه کیفی تلاشی برای فهمیدن دنیا از نگاه موضوع است. سیدمن^۳ نیز افزوده است که مصاحبه دسترسی به بستر رفتار مردم را ممکن می‌سازد و به محقق

1. Le Corbusier.
2. Kvale.
3. Seidman..



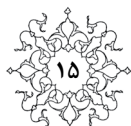
امکان می‌دهد تا آن رفتارها را در بسترشان قرار دهد و در همان بستر فهم کند (Seidman, 1998). نکته مشترک در پژوهش‌های متفاوت کیفی، همان‌طور که تامسون^۱ (Thompson et al, 1998) اشاره کرده، آن است که در این نوع پژوهش‌ها، مردم و مصاحبه‌شوندگان فقط موضوع تحقیق نیستند بلکه در آن شرکت دارند. در واقع آن‌ها نوعی شریک جست‌وجو و تأیید اطلاعات در تحقیق محسوب می‌شوند. به زبان دیگر، آن‌ها نه فقط موضوع، بلکه شرکای تحقیق هستند.

تمام این اظهارات بر این موضوع تأکید دارد که مصاحبه کیفی می‌تواند روشی مهم در مطالعات کیفی شهری برای جمع‌آوری اطلاعات شفاهی شمرده شود که بدون پیش‌فرض به تحقیق کمک می‌کند تا تلقی و تصور مردم را از محیط و شیوه‌ای که در آن حضور می‌یابند، به‌دست آورد. شیوه‌های مصاحبه براساس نوع پژوهش، ممکن است شامل مصاحبه غیررسمی، نیمه‌سازمانده‌ی شده و سازمان‌دهی‌شده^۲ باشد. تفاوت بنیادینی که این نوع مصاحبه‌ها را از هم تفکیک می‌کند، این است که تا چه میزان مصاحبه‌شونده یا مصاحبه‌گر مهار و هدایت مصاحبه را در اختیار دارد. براساس نوع پژوهش و سؤال آن ممکن است یک یا چند روش مصاحبه مورد استفاده قرار گیرد، ولی معمولاً مصاحبه‌های غیررسمی به‌عنوان روش اصلی برای به دست آوردن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای و محلی محسوب می‌شوند.

اگرچه اطلاعات شفاهی اخیراً به‌عنوان یکی از منابع اطلاعات کیفی در حوزه‌های مختلف پژوهشی اهمیت یافته است، اما این اهمیت اصولاً ناشی از تأثیر جدی^۳ تاریخ شفاهی بر حوزه مطالعات تاریخی در دوران اخیر است (Perk, 1998). در واقع مطالعات تاریخ شفاهی، این اثر مهم را داشته است که اطلاعات شفاهی از نظر علمی، پذیرفتنی و درخور اتکا قلمداد شوند. اطلاعات شفاهی به‌عنوان یک منبع مطالعاتی، با چالش‌های زیادی مواجه شده و به‌طور طبیعی، عمده آن چالش‌ها، معطوف به صحت و درخور اتکابودن اطلاعات مذکور بوده است.

بدیهی است که چالش‌های پیش‌روی اطلاعات شفاهی، دارای تنوع و تعدد بسیاری است، اما در اینجا به یکی از چالش‌های کلاسیک که به بحث کمک می‌کند، اشاره می‌شود. یکی از اصلی‌ترین نقدهای ارائه‌شده توسط مورخان برای همکاران خود در حوزه تاریخ شفاهی، این است که گروه مصاحبه‌شوندگان در شیوه تاریخ شفاهی، معمولاً نماینده یا نمونه آماری از کل جمعیت مورد مطالعه نیستند (Cutler, 1972). در نتیجه، این گروه نمی‌تواند نماینده کل جامعه مورد مطالعه باشد و یافته‌ها را نباید به کل آن گروه تعمیم داد. گرل^۴ در پاسخ به این نقد، می‌گوید که آن‌ها (مطرح‌کنندگان این نقد) در واقع با مطرح کردن یک موضوع غلط، باعث فراموش شدن یک مسئله بسیار عمیق شده‌اند. مصاحبه‌شوندگان انتخاب می‌شوند نه بدان جهت که آن‌ها تا درجه‌ای، معدل آماری باشند، بلکه بدان جهت که آن‌ها می‌توانند روند تاریخی را بنمایانند (Grele, 1998, p.41). پیش از این لومیس (Lummis, 1998) اشاره می‌کند که موثق بودن

1. Thomson.
2. informal, unstructured, semi-structured, and structured interview.
3. Impact.
4. Grele.

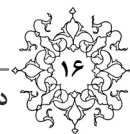


اطلاعات شفاهی برای مطالعات شفاهی، منوط به این نکته است که تا چه درجه‌ای تجارب اشخاص حائز و در برگیرنده ویژگی‌های زمان و مکان آن‌هاست. به زبان دیگر، مصاحبه‌شوندگان باید به‌گونه‌ای انتخاب شوند تا به نمایاندن^۱ موضوع مطالعه در بستر زمان و مکان کمک کنند.

ریشه بسیاری از چالش‌های مطرح‌شده، از جمله چالش یادشده در برابر تاریخ شفاهی و اطلاعات شفاهی در آن است که فرض مطرح‌کنندگان آن است که اطلاعات شفاهی دارای همان کارکردهای اطلاعات مکتوب است، درحالی‌که در بسیاری از پژوهش‌ها، اطلاعات شفاهی را به‌عنوان جانشین اطلاعات مکتوب فرض نمی‌کنند و اصولاً نوع اطلاعاتی که مطالعات کیفی در میان منابع شفاهی به‌دنبال آن است، از نوع کیفی است، نه از نوع اطلاعاتی که از آن‌ها برای تعیین حقایق عینی استفاده می‌شود. به زبان دیگر، در تاریخ شفاهی نه تنها نوع اطلاعات جمع‌آوری شده کمی نیست، بلکه کارکرد اطلاعات با اطلاعات کمی نیز متفاوت است. به‌طور مثال، ریچی (Ritchie, 2004) نوشته است که ممکن است منابع شفاهی نتوانند به ما بگویند که واقعاً آستالین چه کرد، اما قطعاً می‌توانند معلوم کنند که مردم چه تلقی‌ای از کارهای وی داشته‌اند. همین‌طور در مطالعات تاریخی در زمینه تحولات نوین در شهرهای ایران، بسیار بعید است که ما در بررسی‌های خود به‌دنبال یافتن اطلاعاتی درباره هزینه یا زمان دقیق ساخت اولین خیابان در یک شهر از طریق اطلاعات شفاهی باشیم. در عوض به‌طور مثال، مطالعه مبتنی بر منابع شفاهی، از مؤثرترین روش‌ها در فهم منطق اجتماعی - فضائی تحول زندگی اجتماعی در شهرهاست.

اهمیت «نمایاندن» در عوض «نمونه‌گیری» در مطالعات مبتنی بر تاریخ شفاهی، نه تنها پاسخ به چالش مطرح‌شده است، بلکه نکته‌ای اساسی را دربر می‌گیرد که باید برای انجام کار میدانی در هر مطالعه کیفی به درستی درک شود؛ اینکه مصاحبه‌شوندگان باید به‌گونه‌ای انتخاب شوند که بتوانند نمایاننده موضوع و دوره مورد مطالعه باشند. به‌طور مثال در مطالعه‌ای که در دست انجام است، مصاحبه‌شوندگان به‌شکلی انتخاب نشده‌اند که گروه‌شان به‌عنوان نمونه آماری از کل جامعه شهری محسوب شود، چراکه اولاً انجام مصاحبه کیفی با تعدادی که نمونه آماری جامعه شهری باشند، تقریباً ممکن نیست. ثانیاً این افراد حتی بر فرض تشکیل یک نمونه آماری، لزوماً از نظر کیفی نمی‌توانند نماینده دوره تاریخی مورد مطالعه باشند. در عوض افراد باید از بخش‌های مختلف شهر به‌گونه‌ای انتخاب شوند که بتوانند پویائی فضائی - اجتماعی زندگی اجتماعی را در طی دگرگونی نوین نشان دهند، درحالی‌که این گروه ممکن است هیچ‌وقت به‌عنوان نمونه آماری قلمداد نشوند. سؤال اساسی این است که منطق انتخاب گروه برای اینکه بتواند به نمایاندن آن دوره کمک کند، به‌طور مشخص چیست؟

1. Typifying.



نمایاندن زندگی اجتماعی در شهرهای تاریخی

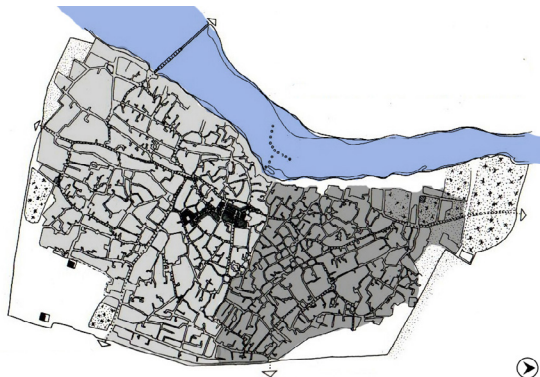
همان‌طور که قبلاً بدان پرداخته شد، در مطالعات کیفی مسئله اساسی، «نمایاندن» پدیده در عوض بررسی نمونه آماری است. به‌طور مثال در همین مطالعه، هدف از کار میدانی و مصاحبه‌ها، تولید تصویری از زندگی اجتماعی و فهم آن در فضاهای شهری قبل و بعد از تحولات نوین بوده است. در واقع این تصویر را می‌توان به‌مثابه جورچینی تصور کرد که هر قطعه آن را یک یا چند نفر توصیف و تولید می‌کنند، اما در عین حال جمع اجزای گردآوری شده از میان مردم، باید به‌شکلی باشد که نمایاننده موضوع باشد؛ همان‌طور که اثر معماری از انباشت مصالح شکل نمی‌گیرد بلکه سازماندهی اندیشمندانه آن‌هاست که انبوه مصالح را به اثر معماری بدل می‌کند. به‌طور بدیهی، تاریخ‌شفاهی نیز صرفاً به مجموعه‌ای از اطلاعات شفاهی گردآوری شده قلمداد نمی‌شود بلکه از گردآوری، طبقه‌بندی و تحلیل اطلاعات به‌شکل روشمند تولید می‌شود. توجه به نمایاندن به‌عنوان یکی از اصول در گردآوری روشمند اطلاعات، حائز اهمیت است.

بدیهی است که با توجه مطالب مرور شده، تبیین روش انتخاب افراد در جهت نمایاندن موضوع، عمیقاً به موضوع و بستر مطالعه وابسته است. پس فهم دقیق سازمان و ویژگی‌های بستر موضوع و پدیده مورد مطالعه، ارتباط اساسی با آن دارد. در نتیجه در این مطالعه، کار میدانی اولیه به منظور شناخت ماهیت موضوع مطالعه یعنی «زندگی اجتماعی در فضاهای شهری» انجام شد تا تبیین عوامل دخیل در نمایاندن زندگی اجتماعی میسر شود. بیش از این، مطالعه میدانی به پژوهش کمک می‌کرد تا روش‌ها و فنون مصاحبه در بستر آزمایش و چگونگی واکنش مردم به آن‌ها فهمیده شود. در واقع مطالعه میدانی اولیه کمک می‌کرد تا علاوه بر فهم زمینه موضوع - که مسئله اساسی می‌نمود - به محلی کردن روش‌ها هم کمک شود، البته ما در اینجا فقط به آن دسته از مسائل مرتبط با نمایاندن زندگی شهری خواهیم پرداخت که براساس بررسی و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده به دست آمده است.

بررسی مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌داد که پیش از تحولات عصر کنونی، به‌طور طبیعی زندگی اجتماعی به‌طرز وسیعی تحت‌تأثیر مفهوم و سازمان محله قرار داشته است. پیش از این، محلات شهر به دو گروه حیدری و نعمتی تقسیم شده بودند. این تقسیم دوگانه محلات، یکی از معمول‌ترین ویژگی‌های سازمان اجتماعی شهر ایرانی بوده است؛ هر چند که به‌سادگی نمی‌توان آن را به‌عنوان سازمان اجتماعی کاملاً عمومی فرض کرد. این تقسیم اجتماعی، لزوماً در تمام شهرها به‌همین نام خوانده نمی‌شد. مثلاً در دزفول این دو گروه محلات به نام حیدرخانه و صحرا بدر شناخته می‌شدند. هر بخش حیدری یا نعمتی، می‌تواند به‌عنوان یک گروه مستقل اجتماع شهری فرض شود. این تفکیک اجتماعی، به‌طور طبیعی می‌توانست کم‌وبیش شدت داشته باشد، اما در مجموع شرایط دریافت شده از میان مصاحبه‌ها، نشان می‌دهد که جامعه شهری به‌عنوان یک جامعه

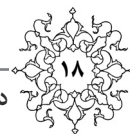


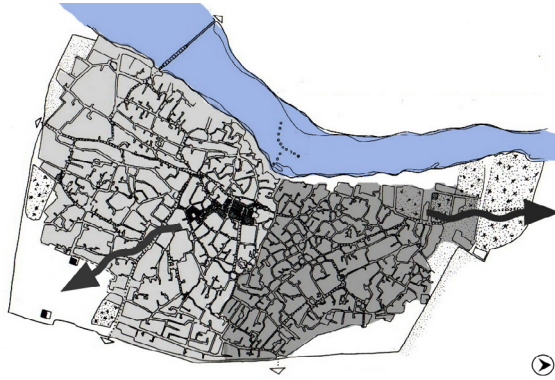
یکپارچه و منسجم، به‌سختی قابل دریافت است. در عوض، به‌نظر می‌رسد در اثر این تفکیک، فهم جامعه شهری - که درک خصیصه محلی حائز اهمیت خاص است - با وجود خصیصه‌های کلان در شهر، به اندازهٔ ویژگی‌های محلی آن در سازمان شهر، حائز اهمیت نبوده است. تحولات عصر حاضر، این نظام محلی را جایگزین جامعه شهری کرده و خصوصیات محلی آن، به شدت اهمیت خود را از دست داده است. با کم‌رنگ‌شدن مرز تفکیک محلات حیدری و نعمتی، جامعه شهری به‌مثابه یک نظام اجتماعی یکپارچه و منسجم، آرام‌آرام قابل دریافت می‌شود.



دزفول در اواخر دوره قاجار: محدوده محلات حیدری در حدود شمالی و نعمتی (صحرا بدر) در بخش جنوبی شهر.

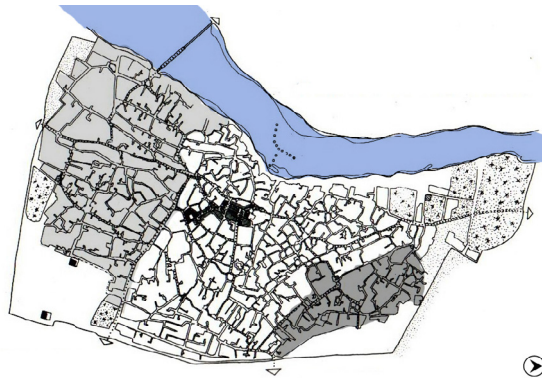
در اینجا لازم است تأثیرات این نظام محلی و تغییرات آن را در شهر یادآور شد. مراسم محرم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وجوه زندگی اجتماعی، یکی از جنبه‌های زندگی شهری است که به‌خوبی این تأثیر را به‌نمایش می‌گذارد. اولاً هر محله با هیئت عزاداری آن، هویت می‌یافته و مراسم محرم، مهم‌ترین فرصت برای به‌نمایش گذاردن آن به‌شکل نمادین بوده است. از سوی دیگر هنگام برگزاری مراسم محرم، درگیری میان محلات حیدری و نعمتی به‌شدت بالا می‌گرفته است و می‌توانید در هر شهر، سراغ چنین درگیری‌هایی را - بعضاً به‌اسطوره نیز بدل شده است - بگیرید. درگیری میان محلات شنیدی و دهدشتی در بوشهر، از همین درگیری‌ها بوده است. اهمیت نمادین اجتماعی و حساسیت آن به‌عنوان هویت اجتماعی برای این محلات باعث شده است تا عزاداری هر نیمه حیدری و نعمتی به‌طور مستقل از نیمه دیگر اجتماعی برگزار شود. این ویژگی محلی در مراسم، با محوشدن تفکیک اجتماعی در جامعه شهری و شکل یافتن جامعه‌ای یکپارچه‌تر، تغییر شکل داد و از پی این تحول، مراسم نیز از حالت محلی خارج شد و شیوه برگزاری آن، به‌طور نمادین، شکل‌گیری جامعه منسجم‌تری را به‌نمایش گذاشت.





نمودار مراسم عزاداری محرم در دزفول قبل از دگرگونی‌های شهری.

در مثالی دیگر در گذشته در دزفول، تعلق افراد به بخش‌های مختلف شهر با توجه به لهجه‌ای که با آن سخن می‌گفتند، به سادگی شناسائی می‌شد. پدیده تفاوت لهجه، آن هم در میان شهری متوسط، به خوبی سازمان محلی شهر را نشان می‌دهد، اما در طی تحولات دوران نوین، این تفاوت لهجه آرام‌آرام از میان شهر محو شده است.^۱ در واقع در اثر دگرگونی‌های شهری ناشی از تحول در نظام اقتصادی- اجتماعی شهری، اهمیت ویژگی‌های محلی به‌طور ملموس در شهر ایرانی کاسته شده است.

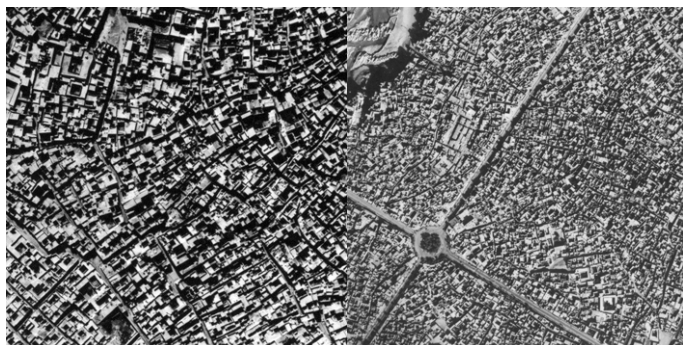


نمودار حدود حوزه لهجه‌های سه‌گانه شهر دزفول پیش از دگرگونی‌های نوین.

۱. برای دنبال کردن دلایل ظهور لهجه‌های مختلف، بنگرید به: William Downes (۱۹۹۸)
2. Cognitive map.

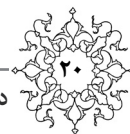
تلقی و نقش ذهنی مردم از شهر، وجه دیگری است که به ما برای تبیین روش نمایاندن آن کمک می‌کند. بررسی مصاحبه‌های انجام‌شده در هر دو کار میدانی، به‌وضوح نشان می‌دهد

که نه تنها سازمان فضائی- اجتماعی بلکه تلقی ذهنی افراد از شهر در گذشته، محلی و در عوض به مرور کلی تر شده است. بافت و محدوده فضائی زندگی روزمره و اجتماعی نیز همین ویژگی را نشان می‌دهد، بدین معنی که بسیاری از فعالیت‌های روزمره مثل تحصیل و خرید، به طور وسیعی در محله سازماندهی می‌شده است. نقش ذهنی شهر- که متأثر از شیوه حضور در شهر شکل گرفته است- بسیار محلی بوده و این نقش هر چه از محله مصاحبه‌شونده دورتر می‌شده، محوتر می‌گردیده است. اگرچه این موضوع طبیعی به نظر می‌رسد، اما میزان و محدوده شهر- که در ذهن افراد دارای وضوح بوده- به طور چشمگیری محدود و محلی بوده است. به طور مثال وقتی از افراد درباره نام محلات پرسیده می‌شد، اغلب آنان محلات مجاور را به دقت نام می‌بردند، اما در ویرای آن، حتی عموماً نام محلات با اشتباه شناسائی شده و نیمه دیگر شهر، فقط با نام کلی محله حیدری یا نعمتی معرفی می‌شد و مصاحبه‌شونده ایده‌ای درباره نیمه دیگر شهر نداشت. این تلقی محلی- ذهنی با تحول سازمان کالبدی شهر، به طور واضح دگرگون شد و به خصوص خیابان‌های جدید- که سرتاسر شهر را درمی‌نوردیدند- باعث تولید تصویری کلی‌تر از شهر شده و خیابان به محلی بدل می‌شود که خاطره مشترک مردم شهر، فارغ از نیمه‌های حیدری و نعمتی در آن شکل می‌گیرد.



تصاویر هوایی از شهر کهن دزفول (راست)، خیابان‌های جدید در دل شهر کهن (چپ).

از آنجا که تجربه طبقات مختلف اجتماعی از شهر به واسطه نوع فعالیت‌هایی که در آن شرکت می‌کردند متفاوت بوده است، در نتیجه حضور متفاوت طبقات مختلف اجتماعی در فضاهای شهری، نوع اطلاعات ارائه‌شده توسط آن‌ها را دارای تفاوت‌هایی کرده است. تجربه و تلقی ذهنی از شهر در طبقات پائین‌تر در مقایسه با طبقات میانی و بالائی، محلی‌تر بوده است و عموماً تجربه و توضیحات طبقات کارگر، به سختی فراتر از محله آن‌ها می‌رفته؛ اما به طور طبیعی حاوی اطلاعات متفاوتی بوده است. به طور مثال شرح مراسم محرم از زبان طبقات پائین‌تر، همراه با جزئیات و دقایق دراماتیک مراسم بود، ولی در عوض از اطلاعات کلی خالی بود. علاوه بر این، طبقات میانی،



مرفه و افراد دارای تحصیلات، تصویر و اطلاعات منسجم‌تر و واضح‌تری نسبت به طبقات کارگر و کم‌سواد یا بی‌سواد ارائه می‌دادند. به‌طور خلاصه نه‌تنها تجربه زندگی شهری در طبقات مختلف متفاوت است، بلکه شیوه تشریح آن نیز در میان گروه‌های مختلف متفاوت است.

اگرچه ممکن است بسیاری از محققان مایل باشند که مصاحبه‌ها را با افراد متنفذ یا مطلع انجام دهند، اما همان‌طور که اشاره شد، واقعیت امر آن است که هر گروه اجتماعی حامل اطلاعاتی است که لزوماً گروه‌های دیگر اجتماعی حاملان آن نیستند. یادآوری مجدد این نکته در اینجا بیراه نیست که هدف از کار میدانی به کمک روش‌های کیفی و براساس اطلاعات شفاهی، فقط به‌دست‌آوردن اطلاعات صحیح و دقیق نیست و در بسیاری از موارد حتی اطلاعات اشتباه، حائز ارزش‌های کیفی است که اطلاعات صحیح لزوماً آن‌ها را به‌دست نمی‌دهد. مثالی در اینجا می‌تواند به توضیح بهتر مطلب کمک کند.

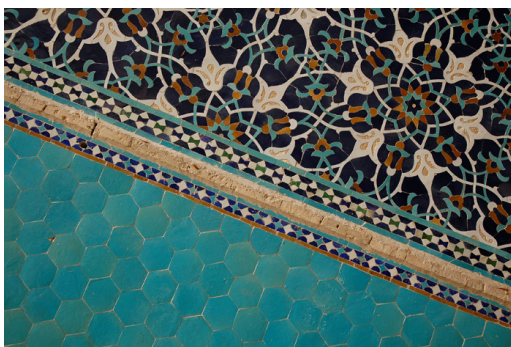
در یکی از مصاحبه‌ها- که در محل کار فردی از محلات حیدری در دست انجام بود- وی داشت درباره مسیر مراسم محرم در گذشته توضیح می‌داد که یکی از دوستان حاضر در جلسه که از محلات نعمتی بود، در جهت تصحیح حرف وی گفت که در قدیم تمام مردم شهر در روز عاشورا در فلان مسیر سینه می‌زدند. مسیری که او معرفی می‌کرد، مسیر عزاداری محلات نعمتی بود و با مسیر محله حیدری متفاوت بود. نکته این بود که اگرچه این اطلاعات به‌عنوان معرفی مسیر عزاداری راجع به کل شهر غلط بود، اما در درون خود حامل این نکته بود که وی محدوده محلات نعمتی را کل شهر فرض می‌کرد یا اینکه مطلقاً از تفاوت مسیر عزاداری در محلات حیدری در گذشته خبر نداشت.

حال اجازه بدهید پس از مسئله محلّیت و تفاوت در برداشت‌ها و شیوه تشریح آن‌ها، به نکته‌ای که تا حدودی جنبه ریخت‌شناسی دارد، بپردازیم. از نظر ریخت‌شناسی، به‌طور عمومی در شهرهای تاریخی سازمان کالبدی شهر، تحت‌تأثیر رشد ارگانیک، دارای انسجام و تمرکز بیشتری در مرکز تاریخی و ساختاری آن است. این مفهوم، بدون وارد شدن مفاهیم مفصل ریخت‌شناسی شهری، می‌تواند به این شکل ساده نیز توصیف شود که اگر به‌سادگی به بافت شهر نگاه کنید، در محدوده مرکزی شهر، به‌طور عمومی فشردگی بیشتری نسبت به حدود بیرونی آن دیده می‌شود. این فشردگی، هم جنبه کالبدی دارد و هم در سازمان اجتماعی شهر قابل دریافت است.

حال اگر خصوصیت محلّیت از نظر تلقی شهر، بافت زندگی روزمره اجتماعی و نیز تفاوت تجربه طبقات مختلف را در کنار خصیصه ریخت‌شناسانه یادشده قرار بدهیم، درخواهیم یافت که برای یافتن تصویر کاملی از زندگی اجتماعی، انجام مصاحبه‌ها در خلال کار میدانی باید به‌گونه‌ای باشد که کل این نظام اجتماعی- فضائی را زیر پوشش قرار دهد. از سوی دیگر، شهر و زندگی اجتماعی و تجربه افراد از آن، به‌طور چشمگیری در اثر تحولات دوران نوین دچار دگرگونی شده



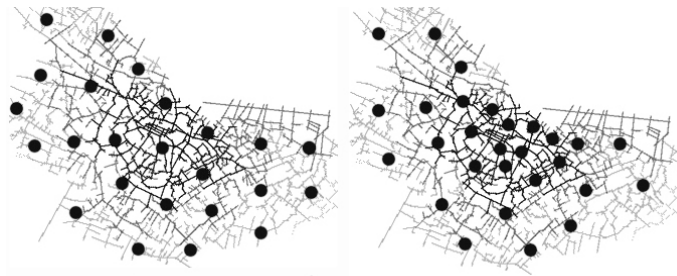
است که در شیوه شناخت شهر، اثر مستقیم دارد. به‌طور مثال اگرچه در گذشته تجربه و تلقی فرد از شهر و زندگی اجتماعی به‌طور واضح متأثر از محله وی یا نیمه‌های حیدری و نعمتی بوده است، به‌طور طبیعی تجربه فرد در بخش حیدری می‌توانسته با فردی در بخش نعمتی کاملاً متفاوت باشد؛ درحالی‌که این تفاوت به‌طور جدی در شهر کنونی تعدیل شده است. با توجه به تفاوت‌های یادشده در سازمان فضائی-اجتماعی در شهر کهن و شهر متأثر از تحولات دوران نوین، به‌طور طبیعی روش انتخاب افراد برای مصاحبه به‌گونه‌ای که بتوان زندگی اجتماعی را نمایاند، دارای تفاوت‌هایی است. شاید بتوان این تفاوت را بدین‌گونه توضیح داد که، تصویر کیفی‌ای که کل شهر کهن را تشریح می‌کند، دارای قطعه‌های بیشتری نسبت به شهر نوین است، درحالی‌که شهر نوین از نظر فیزیکی به‌طور طبیعی بزرگ‌تر از شهر کهن است.



مسجد جامع یزد، کاشی‌کاری ایوان اصلی.

نظام‌های متفاوت از نظر شکلی و ساختاری نیاز به روش متفاوت برای شناخت دارند. هندسه نقش کاشی معرق (بخش بالائی)، نه‌تنها از نظر شکل بلکه از نظر سازمانی و اجزا، متفاوت با طرح موجود در پائین کاشی‌کاری است.

با توجه به ویژگی‌های اجتماعی-فضائی شهر کهن، توزیع مصاحبه‌شوندگان باید به‌شکلی باشد که بتواند تصویر دقیقی از شهر و زندگی اجتماعی آن به‌دست دهد. در نتیجه با توضیحاتی که قبلاً شرح داده شد، انتخاب افراد از میان شهر نباید به‌شکل یکنواخت از نظر جغرافیائی باشد، چراکه شهر چه از نظر سازمان محلات و چه از نظر ریخت‌شناسی، دارای یک بافت همگن نبوده است. پس به‌طور طبیعی توزیع مصاحبه‌شوندگان از نظر جغرافیائی در میان شهر یکنواخت نخواهد بود. از سوی دیگر تفاوت تجربه طبقات مختلف از زندگی اجتماعی، باعث می‌شود که توزیع آنان نه‌تنها متأثر از نظام محلات باشد بلکه مصاحبه‌ها و طبقات مختلف را دربر بگیرد. در نتیجه مصاحبه‌شوندگان به جای توزیع یکنواخت جغرافیائی در میان شهر، باید به‌شکلی انتخاب شده باشند که کل سازمان فضائی-اجتماعی شهر را دربر بگیرند تا بتوان تصویر کاملی از شهر به‌دست آورد.



نمودار فرضی برای توزیع مصاحبه‌ها در میان شهر.

مسئله بعدی، به طیف سنی مصاحبه‌شوندگان برمی‌گردد. از آنجا که دوره تاریخی مطالعه در حال انجام تقریباً سه دهه اول قرن را دربر می‌گیرد، پیش‌فرض اولیه آن بود که بهتر است مصاحبه‌شوندگان از میان افراد مسن‌تر انتخاب شوند. بررسی مصاحبه‌های انجام‌شده در دزفول در کار میدانی اولیه، نشان داد که فرض اولیه لزوماً درست نیست چون افراد در حدود سنی هفتاد هشتاد سال یا مسن‌تر، می‌توانند نکات و دقایقی از زندگی شهر را قبل از تحولات تشریح کنند، در عوض مصاحبه افراد در حدود سنی شصت هفتاد سال، نکات مفصل‌تری از دوران گذار ارائه می‌دهد که ممکن است در مصاحبه با افراد گروه اول به‌دست نیاید. این، نشان می‌داد که برای بررسی یک دوره زمانی نسبتاً طولانی، لازم است افراد از میان یک طیف سنی انتخاب شوند. در واقع می‌توان گفت که تجربه این دوره به‌واسطه اثر عمیق‌تر در خاطره افراد، دارای جزئیات بیشتری است و آنان، آن دوره را با دقت و عمق بیشتری تشریح می‌کنند. بدیهی است که این امر درباره این دوره و نسل صادق است و بدین معنی نیست که در نسل‌های بعدی یا بسترهای اجتماعی دیگری نیز صحت داشته باشد، اما در هر صورت نشان می‌دهد که برای بررسی یک دوره تاریخی، به‌جای تمرکز بر گروه‌های مسن‌تر، باید مصاحبه‌های یک دوره سنی را دربر بگیرد.

نتیجه‌گیری:

این مقاله تلاش داشت تا اهمیت بررسی‌های کیفی را در مطالعات شهری با توجه به پارادایم فضائی- اجتماعی از شهر نشان دهد. تجارب به‌دست‌آمده از فعالیت‌های توسعه شهری نشان می‌دهد که نیاز به فهم عمیق‌تری از تحولات شهری وجود دارد. در واقع مطالعات میان‌دانشی یکی از روش‌های ممکن برای فهم بهتر این تحولات است، اما به‌کارگیری هم‌زمان روش‌های مختلف از میان حوزه‌های مختلف پژوهشی، به معنی یک فعالیت میان‌دانشی نیست، بلکه باید روش‌ها و نظریه‌ها به‌شکل روشمند با هم درآمیزند.

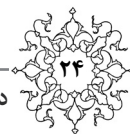


مطلب حاضر در پی آن است تا اهمیت مطالعه اولیه و تحلیل آن را برای یافتن شیوه صحیح نمایاندن موضوع و انجام موفق کار میدانی نهائی در مطالعه شهری نشان دهد. در واقع می‌خواست نشان دهد که «نمایاندن» به‌عنوان یکی از هدف‌های اصلی مطالعات کیفی مبتنی بر اطلاعات شفاهی در بررسی تحولات زندگی اجتماعی، به‌طور جدی به سه عامل اصلی وابسته است. اول آنکه انتخاب افراد برای مصاحبه به‌جای توزیع یکنواخت جغرافیائی آن‌ها، بایستی با توجه به سازمان اجتماعی- فضائی شهر انجام شود. بدیهی است که نظام قبل و بعد از دوران نوین، به‌طور چشمگیری تغییر کرده است. همچنین با توجه به تفاوت تجربه گروه‌های مختلف اجتماعی، اهمیت‌دادن به گروه‌های مطلع و نخبگان برای دریافت کیفی زندگی اجتماعی در شهر کافی نیست و لازم است مصاحبه‌ها طیف طبقات مختلف را دربر بگیرد و در نهایت برای مطالعه هر دوره تاریخی، لازم است مصاحبه‌ها به‌جای تمرکز بر گروه سنی سالخورده‌تر، یک طیف سنی از مطلعان را دربر بگیرد.

اگرچه این نتایج براساس انجام بررسی در تعداد معدودی از شهرها انجام شده و قابلیت تعمیم به تمام شهرها را به‌طور مستقیم ندارد، اما درعین‌حال خاطر نشان می‌سازد که بایستی روش‌های مطالعه مطابق بستر مطالعه، مورد بازبینی قرار گیرد و روش‌های معمول نمی‌توانند فارغ از محلی‌شدن، ما را به هدف‌های مطالعه کیفی نائل کنند.

منابع:

- Bernard, H.R (1994). *Research Method in Anthropology: Qualitative and Quantitative Approaches*. London, New Delhi: Sage publications.
- Dilley, P (2004). Interviews and the Philosophy of Qualitative Research. *The Journal of Higher Education*, No 1: 127-132.
- Downes, W (1998). *Language and Society*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Grele, R.J (1994). Movement without aim: methodological and theoretical problems in oral history. In R. Perk & A. Thomson (Eds.), *The oral History Reader* (pp. 38-52). London, New York: Routledge.
- Kvale, S (1996). *InterViews : an introduction to qualitative research interviewing*. London: Sage.



- Lefebvre, H (1991). *The Production of Space*. Oxford: Blackwell.
- L. Eaton (1972). Book review, two Chicago architects and their clients', *Historical Methods Newsletter*, vol. 5, No. 4: 169.
- Lummis, T (1994). Structure and Validity in Oral Evidence. In R. Perk & A. Thomson (Eds.), *The Oral History Reader* (pp. 273-283). London, New York: Routledge.
- Perks, R. & Thomson, A (1998). Introduction. In R. Perk & A. Thomson (Eds.), *The Oral History Reader* (pp. IX-XIII). London, New York: Routledge.
- Ritchie, Donald A (2003). *Doing Oral History; a Practical Guide*. New York: Oxford University Press.
- Rubin, H. & Rubin, I (1995). *Qualitative Interviewing: The Art of Hearing Data*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Seidman, I (1998). *Interviewing as Qualitative Research: A Guide for Researchers in Education and Social Sciences*. New York: Teachers Collage Press.
- Thompson, C. & Walker, B (1998). Basic research (part 12): Qualitative Research. *Air Medical Journal*, 17: 65-70.

